

تداوم و پایداری خدمات ۲۴ ساعته

آبفایزد در ایام «جنگ رمضان»

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان یزد از تداوم و پایداری خدمات ۲۴ ساعته آبفایزد در ایام «جنگ رمضان» گفت: در این مدت بیش از ۲۰ هزار تماس از سوی شهروندان پاسخ‌دهی و رسیدگی شده است. جلال علمدار، گفت: از ابتدای «جنگ رمضان» تا امروز، تعداد ۲۰ هزار و ۷۳۸ تماس از سوی شهروندان با مرکز ارتباط با مشتریان آبفا استان (۱۲۲) ثبت شده است.

روزنامه اجتماعی و اقتصادی استان یزد | سال دهم | شماره پیاپی ۵۴۴ | دوره جدید | شماره ۲۰۴ | سه‌شنبه | ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۵ | ۴ صفحه | قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



رئیس کل دادگستری استان یزد:

دشمنان و سران کفر ذاتا پیمان شکن هستند



دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان یزد:

تدوین نقشه راه صنایع در شرایط جنگی در دستور کار قرار دارد

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی یزد:

اسکان ۳۷۵ هزار مسافر در تعطیلات نوروزی استان یزد



سرپرست اورژانس پیش بیمارستانی استان یزد خبر داد:

کاهش ۱۶ درصدی تصادفات نوروزی در استان یزد؛ پنج فوتی و ۱۱۸۹ مصدوم

جنگ بر ساختی

ملانصرالدین سر کوچه‌ای ایستاده بود و به مردم می‌گفت در این کوچه آش می‌دهند. مردم هم به‌شتاب می‌رفتند و از منزل خود قابلمه و ظرف می‌آوردند و به ته کوچه می‌شتافتند. ملا که این وضع را دید خودش هم باورش آمد. با عجله به منزل رفت؛ ظرف برداشت و به ته کوچه دوید.

حالا حکایت ماست! ترامپ که گمان دارد جنگ را فرماندهان ارشد معزول نمی‌فهمند «واقعا» فکر می‌کند جنگ همان است که در فیلم ای هالیوودی، بر ساخت شده است: سربازانی ورزیده، نترس، میهن رست، همه فن حریف با تجهیزاتی افسانه‌ای و نقشه‌ای رد نخور در مقابل مُشتی مترسک هالو. این در حالی است که سیمور هرش روزنامه‌نگار کهنه‌کار که آثارش بویژه در روزنامه‌نگاری تحقیقی، الگو است در مقاله اخیرش درباره قمار احتمالی ترامپ (عملیات زمینی) عبارت‌پردازی جالبی کرده و ارتش آمریکا را بیم داده است: «چرخ گوشت هرمز»

یک ویژگی اصلی برای مدیران راهبردی و سیاستمداران بزرگ بویژه آنان که رهبری کشورها را به عهده می‌گیرند این است که خودشان اسیر رسانه و تبلیغات و بلوف‌هایی که می‌زنند نشوند یعنی از اینها برای عملیات روانی استفاده کنند اما خودشان باور نکنند. بر سازی بکنند اما باورمند و بازیچه بر ساخت‌ها نشوند تا بتوانند بازی را بر اساس واقعیت جلو ببرند.

فرید زکریا روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی بیست سال پیش در کتاب جنگ‌جایی خود (جهان پسا آمریکایی) اظهار نگرانی کرد که ایالات متحد در حال از دست دادن اولین‌ها و بزرگترین است. نگرانی او عمدتاً به حوزه‌های پیشران اقتصادی معطوف بود و حتی به مخیله‌اش هم نمی‌رسید که روزی در سطح رهبری هم شاهد چنین افولی باشند. کشوری که در سال‌های نه چندان دور با نظریه «قدرت نرم» به عنوان مکمل قدرت سخت در پی آقایی دنیا بود امروز اسیر رهبری شده است که به جای متانت و برآمدگی از نظام نخبگی، یک شومن و یک خالی‌بند بلوف‌زن یعنی همان کاراکتر مناسب قمارخانه ی لاس‌وگاس است تا در پی هر سخنرانی، فکت پینگ‌ها ادعاهای او را یکی یکی به چالش کشند و دروغ و توهماتش را عیان سازند. رسوایی اپستین هم مزید بر علت؛ لکه ننگی برای جمهوری‌خواهان که همه پُژشان تا حالا ارزش‌های اخلاقی خانوادگی بود.

تمام رسوای جمهوری آمریکا در دهه‌های اخیر، چه خوش‌مان بیاید و چه نیاید، برکشیده‌ی نظام نخبگی و به قول خودشان سیستم بوده‌اند. این سیستم، محصول یا برآمده‌ی نوعی سرمایه‌داری سنتی بوده است. به همین جهت تفاوت یک رئیس‌جمهور دمکرات با جمهوری‌خواه، به قول آن صاحب‌نظر خوش‌قریحه، تفاوت پستی‌کولا و کوکا‌کولا بود. یعنی در اصول، یکسان اما در طعم و ظاهر متفاوت. پدیده ترامپسیسم این قانون را شکست و هواخواهان او از تیرهای دیگر درآمدند: جوان‌تر، ماجراجو (به سبک اجداد مهاجر از اروپا در دو سه قرن پیش) و چالش‌گر نظم ساختاری پذیرفته شده. از یاد نبرده‌ایم که گردن‌قرم‌های هواخواه او که حاضر نبودند شکست انتخابات ۲۰۲۰ را بپذیرند در نخستین روزهای سال نو با حمایت رئیس‌جمهور مستقر چگونه به ساختمان کنگره هجوم بردند و جلوه‌ای جدید از وندالیسم را در تاریخ ثبت کردند. برای مردم آمریکا باید متأسف بود که چنین رهبری، ویتترین آنهاست. آنان زمانی رؤسای جمهوری داشته‌اند که اسباب افتخارشان بوده است اما رئیس حاضر به تنهایی ظرفیت این را دارد که کل تمدن امروز و کل جهان را به عصر حجر ببرد. شاید هم حق با آن متفکری باشد که سال‌ها پیش گزاره‌ای عمیق بیان کرد: مردم هر کشور، شایسته‌ی رهبران خود هستند.